

داستان دو پرنده ناهمجنس

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

داستان های مثنوی
با نثر روان
مهدی سیاح زاده

داستان دوستی دو پرنده ناهمجنس

برگرفته از کتاب « پیمانہ و دانه »

مهدی سیاح زاده

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - ۳ جلد - ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - ۶ جلد - ۱۳۹۶ (۲۰۱۷)

انتشارات مهر اندیشی - تهران - چاپ پنجم - ۱۳۹۹ (۲۰۲۰)

یک نشان آدم آن بود از ازل
که ملایک سر نهندش از محل
۲۱۱۹/۲

داستان دوستی دو پرنده ی ناهمجنس

(دفتر دوم - از بیت ۲۱۰۳)

شخص فرزانه ای تعریف می کرد که روزی در بیابان
لکلی را دیدم که با آن اندام درشت و بلند، با زاغی حقیر و
کوچک اندام همراه است. از این همراهی دو پرنده ی غیر
همجنس بسیار شگفت زده شدم. اما وقتی جلوتر رفتیم، دیدم
هر دوی آن ها بالشان شکسته و همین شکستگی بال، آنان را
همراه یکدیگر کرده است.

آن حکیمی گفت : دیدم در تکی^۱
می دویدی زاغ با یک لکلی
در عجب ماندم ، بجستم حالشان
تا چه قدر مشترک یابم نشان
چون شدم نزدیک ، من حیران و دنگ

^۱ - تک : در اصل قعر ، پایین است . اما اینجا به معنی بیابان آمده .

خود بدیدم هر دوان بودند لنگ^۱

۲۱۰۳/۲

شرح مختصر

مولوی، در داستان پیش، (تملق کردن دیوانه از جالینوس حکیم) می گوید: جالینوس وقتی دیوانه ای به او چشمکی زد و شوخی کرد، شربت مخصوص دیوانه ها را نوشید. زیرا اعتقاد داشت که اگر دیوانه او را همجنس خود نمی پنداشت با او شوخی و مزاح نمی کرد. اینجا مولوی همین داستان «دوستی دو پرنده ی ناهمجنس» را به عنوان شاهد مثال تعریف می کند. پیام مولوی در این داستان، همانگونه که قطعاً حدس زده اید، مانند داستان پیش، این است که هرگاه وجود فرزانه و برتری با فرودستان (از نظر معنوی، نه مادی) همنشین شود، بی هیچ تردیدی باید حکم کرد که بین آنان نوعی وجه مشترک وجود دارد. مولوی این اعتقاد را تا آنجا بسط می دهد که می گوید: اگر شیطان به آدم سجده می کرد، آدم دیگر آن آدمی نبود که خداوند در قرآن معرفی کرده است، بلکه

^۱ - دَنگ: اینجا به معنی سرگشته آمده است (در اصل یعنی احمق و ابله) هر دوان: هر دو آن ها.

می بایست از جنس همان ابلیس باشد. زیرا ابلیس حتماً
خصوصیتی همجنس خود در آدم دیده بود و به او گرایش
یافته بود.

یک نشان آدم آن بود از ازل
که ملایک سر نهندش از محل ...
لیک اگر ابلیس هم ساجد شدی
او نبودی آدم، او غیری بُدی

۲۱۱۹/۲
